

## فهرست

### سر سخن

وفیات الاعیان ..... ۵-۳

### یادیه از درگذشتگان

خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ..... ۱۰-۶  
فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ..... ۱۷-۱۱  
ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ..... ۳۶-۱۸  
استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ..... ۴۶-۳۷  
خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ..... ۴۹-۴۷  
حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ..... ۵۷-۵۰  
ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ..... ۶۱-۵۸  
شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه  
آمریکایی / مجدالدین کیوانی ..... ۶۹-۶۲  
مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ..... ۷۲-۷۰  
شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ..... ۸۰-۷۳

### جستار

داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ..... ۸۳-۸۱  
خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ..... ۸۹-۸۴  
از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن‌السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ..... ۱۱۰-۹۰  
موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین  
شیخ‌الحکمایی ..... ۱۱۸-۱۱۱  
آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /  
علی صفری آق‌قلعه ..... ۱۲۸-۱۱۹  
برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /  
محمدجواد جدی ..... ۱۳۱-۱۲۹

### نقد و بررسی

مقالات احمد تفضلی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۴۰-۱۳۲  
کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ..... ۱۴۶-۱۴۱

### ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ..... ۱۴۹-۱۴۷



## خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی

محمود امیدسالار

مرحوم یارشاطر به شهادت همکارانش در دانشنامه ایرانیکا، تانود و اندسالگی روزی دوازده ساعت کار می‌کرد. به قول دکتر التون دانیل، که اکنون سرویراستاری این دانشنامه را بر عهده دارد، یارشاطر به هر کس در هر رشته‌ای که تحقیق می‌کرد - اعم از السنه باستانی غربی، فلسفه یا هر رشته دیگری - گوشزد می‌کرد که یک جنبه مربوط به فرهنگ و تمدن ایرانی در رشته‌ای که با آن سروکار دارد موجود است (به نقل از نیویورک تایمز). این معنی با آنچه پرفسور عباس امانت، استاد تاریخ دانشگاه ییل، درباره او گفته است نیز تأیید می‌گردد. به قول دکتر امانت، تلاش یارشاطر همه این بود که باروری و غنای فرهنگ ایرانی را نشان دهد و با نشان دادن پیوندهای میان تمدن ایران قبل از اسلام با تمدن اسلامی ایران، تداوم این فرهنگ باستانی را به همگان بنمایاند (همانجا). بنده در این مختصر قصد ندارد به بررسی همه آثار و

یارشاطر بارها با خنده و بر سبیل استفهام انکاری از ایشان می‌پرسیده است که «شما خیال می‌کنید من بهائی هستم؟» و استاد مهدوی که در حدت ذهن و قوت ایمان ایشان احدی تردید ندارد، به درستی معتقدند که استاد یارشاطر به کلی «سکولار» بود و هیچ تعلق خاطری به فرقه بهائیت نداشت. ذکر این مطلب از این روی لازم است که تهمت بهائی‌گری از آن مرحوم رفع گردد. دین و وطن و اعتقادات یارشاطر را می‌توان چنانکه خود او در سال ۲۰۰۹ در مصاحبه‌ای ابراز داشت، در خدمت به «زبان و ادب و فرهنگ ایران» خلاصه کرد. این مطلب انکار ناپذیر است که صحت آن از فعالیت‌های علمی و انتشاراتی آن دانشمند فروتن و پرمایه، بر هر داور منصفی آشکار است. حَسُنُ الْأَدَبِ یَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

مرحوم استاد احسان یارشاطر در ۱۲ فروردین ماه ۱۲۹۹ شمسی در همدان متولد شد و در ۱۱ شهریور ۱۳۹۷ (۲ سپتامبر ۲۰۱۸) در شهر فرزنو از بلاد ایالت کالیفرنیا در آمریکا، درگذشت. مجله نیویورک تایمز در ششم سپتامبر ۲۰۱۸ (۱۵ شهریورماه ۱۳۹۷) خبر فوت او را در بخش متوفیات در مقاله کوتاهی که با جمله «درگذشت استاد ممتاز زبان و ادب فارسی و پایه‌گذار دانشنامه ایرانیکا در نود و هشت سالگی» شروع می‌شد اعلام کرد و دو هفته بعد (۲۰ سپتامبر ۲۰۱۸) در مقاله مفصلی که در صفحه B12 آن مجله منتشر شد، به ذکر فعالیت‌های علمی و فرهنگی و ذکر سوابق تحصیلی و علمی او پرداخت. آنچه در این مقاله نسبتاً مفصل جالب توجه است این است که نیویورک تایمز، که معمولاً در خبرنگاری به قول خودمان «موی را از ماست می‌کشد»، در باره جوانی استاد یارشاطر و تحصیلات او در دانشگاه تهران نوشت که در این دوران او از مذهب خانوادگی‌اش، که بهائیت بود، گسسته شد و تحت تأثیر متفکران ایرانی نسل خودش، که روحیه تحقیقات عقلی (rational) را تبلیغ می‌کردند، به جرگه «سکولاریست‌ها» گرایید.<sup>۱</sup>

۱. این مطلب را بدین جهت ذکر می‌کنم که برخی افراطیون وطنی آن مرحوم را به بهائیت متهم می‌کنند. در اینکه خانواده استاد یارشاطر بهائی بودند و در چنین خاندانی به دنیا آمدند حرفی نیست؛ اما بنده هیچ گاه در تماس با ایشان نه لفظاً و نه عملاً هیچ چیزی که دال بر اعتقاد آن مرحوم به فرقه بهائیت باشد ندیده و نشنیده است. حضرت استاد مهدوی دامغانی شفاهاً به بنده فرمودند که مرحوم

یکی از این السنه هستند (از قبیل کرد و فارس و پشتون و تاجیک و بلوچ و مردمان ماوراءالنهر و قفقاز و ترکستان چین و امثالهم) پوشش دهد. یعنی دانشنامه‌ای که فرهنگ و تمدن اقوام کرد و فارس و پشتون و تاجیک و بلوچ و مردمان ماوراءالنهر و قفقاز تا ترکستان چین و دیگر مناطقی که یکی از این زبان‌ها در میان آنها رایج است را شامل گردد. فراتر از این، روابط سرزمین‌هایی که به نحوی تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار داشته‌اند (مثلاً آسیای میانه و هندوستان)، تمدن‌هایی که با تمدن ایرانی دادوستدهای فرهنگی مهمی داشته‌اند (مثلاً تمدن‌های بین‌النهرین، یونان و روم باستان، چین، بیزانس، اعراب و ترکان) نیز در این دانشنامه مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در سال ۱۳۵۱ ش/۱۹۷۲ م بر آن می‌شود که مقدمات کار را فراهم آورد و از سال بعد از عده‌ای از ایران‌شناسان نامدار جهان دعوت می‌کند که در این باب با او همکاری کنند. سپس دفتر این دانشنامه را در مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا تأسیس می‌کند و عاقبت در سال ۱۹۸۰ میلادی، با کمک آن دانشگاه و مساعدت بنیاد علوم انسانی آمریکا (National Endowment for the Humanities)، مقدمات انتشار مجلد اول ایرانیکا فراهم می‌گردد و جلد یکم آن در سال ۱۹۸۲ منتشر می‌شود («شرح حال [یارشاطر]» در توکلی طرقي، ۲۰۱۶: ۸۵).

این دانشنامه که صورت آنلاین آن هم به صورت رایگان در دسترس است (<http://www.iranicaonline.org>) مرتباً منتشر شده و تا کنون مجلدات آن طبق توالی حروف الفبای انگلیسی به حرف K (کاف) رسیده است. به تخمین استاد یارشاطر، مجموع مجلدات آن به هجده مجلد و در حدود چهارده میلیون کلمه بالغ خواهد شد (HANAWAY & YARSHATER, 1998: 321).

یکی از مهمترین مطالبی که باید در مورد دشواری‌های فراهم آوردن چنین دانشنامه‌ای به خاطر داشت این است که برخی از مدخل‌های این دانشنامه را فضایی نوشته‌اند که زبان نوشتارشان انگلیسی نبوده است و نوشته‌شان باید ابتدا به انگلیسی ترجمه می‌شده است تا بتواند در ایرانیکا وارد شود. به تصریح مرحوم یارشاطر، برخی مقالات به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، فارسی، ایتالیایی، روسی، ترکی، و حتی چینی، اردو، و ژاپنی به دست ویراستاران ایرانیکا می‌رسیده است. این مقالات نه تنها ترجمه می‌شده، بلکه پیش از چاپ

خدمات مرحوم استاد یارشاطر پردازد. این مهم را دیگران انجام داده و به نحو احسن از عهده آن برآمده‌اند (مثلاً نک. مقدمه‌ممتع دکتر توکلی طرقي در توکلی طرقي، ۲۰۱۶: ص ۹-۵۹؛ نیز کتاب‌شناسی آن مرحوم تا سال ۱۹۹۰ به قلم مری بویس و گرنوت ویندفور در AMIN, KASHEFF, and SHAHBAZI, 1990: ص نه - سی و دو). هدف من در این نوشته بیان اعجاب و تحسینی است که دو اثر مهم و ماندگار یارشاطر در میان خاورشناسان فرنگی برانگیخته است. اولین این دو، یعنی دانشنامه ایرانیکا (*Encyclopaedia Iranica*) در زمینه معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به جهانیان منبعی بی‌نظیر است، و دومی، یعنی ترجمه انگلیسی تاریخ طبری، در نمایاندن معارف اسلامی و مخصوصاً فن تاریخ‌نگاری مسلمین در قرون سوم و چهارم هجری (نهم و دهم میلادی) یعنی زمان حیات محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق/۸۳۹-۹۲۲ م) به جهان غرب، اثری بی‌همال است. بنابراین مطالبم را به آنچه شرق‌شناسان فرنگی در مورد این دو اثر ارزنده گفته‌اند خلاصه می‌کنم.

#### دانشنامه ایرانیکا

فکر ایجاد این دانشنامه در سال ۱۹۷۲ میلادی که استاد یارشاطر هنوز با نشر دانشنامه ایران و اسلام در ایران درگیر بود به خاطر او رسیده است. علت این بوده است که می‌بیند دائرةالمعارف اسلام، که در آن زمان طبع دوم آن تحت نظر برنارد لوئیس (۱۹۱۶-۲۰۱۸) اداره می‌شد، بیشتر بر تاریخ و تمدن ممالک عربی و مذهب تسنن متمرکز است و نقش ایران و تشیع در آن کم‌رنگ نمایانده شده است (به نقل از نیویورک تایمز)<sup>۱</sup>. به این جهت تصمیم می‌گیرد که دانشنامه‌ای به زبان انگلیسی پایه‌گذاری کند که تمام اقوامی را که یا در گذشته به یکی از السنه ایرانی تکلم می‌کرده‌اند (مثلاً سغدیان و خوارزمیان و ختنی‌ها و سکاها و الانان و غیره)، و یا در حال حاضر متکلم به

۱. عین عبارت نیویورک تایمز که من به مفهوم نقل کرده‌ام، به قرار زیر است و تأکید در آن از نگارنده است (ش ۲۰، سپتامبر ۱۸، ۲۰۱۸، ص B12):

In a letter to Mr. Lewis, Professor Yarshater wrote that the encyclopedia [of Islam], which emphasized Arab and Sunni Islam, diminished the Iranian contribution to Eastern civilizations. He decided that Iranians needed an encyclopedia that would focus on that contributions **and also take into account Shiism**, the dominant strain of Islam in Iran...

هم از نظر سبک بیان و هم از نظر روش عرضه منابع و آوانویسی و دیگر جزئیات با متن دانشنامه هماهنگ می شده است. این کار، چنانکه اهل فن می دانند، کار بسیار دشوار است.

علی ای حال، دانشنامه ایرانیکا از بدو انتشار تحسین و اعجاب اهل فن را برانگیخت. مورخ و باستان‌شناس شهیر انگلیسی، پرفسور بیوار (Adrian David Hugh Bivar, 1926-2015) در نقدش بر اولین جزوه آن نوشت که انسیکلوپدی اسلام تا پیش از انتشار ایرانیکا تنها منبع مهم و مستند برای مطالعات مربوط به جهان اسلام محسوب می شد و با اینکه برخی مطالب مهم مربوط به دوره اسلامی تاریخ و تمدن ایران را نیز شامل بود، تمرکز آن بیشتر بر ممالک و فرهنگ‌های عربی قرار داشت و جوانب گوناگون تمدن ایرانی، مخصوصاً مطالب مربوط به ایران پیش از اسلام، در آن مورد غفلت قرار گرفته بود. این کمبود توسط دانشنامه ایرانیکا که تحقیقات مدرن مربوط به ایران را در دسترس اهل فن نهاده برطرف گردیده است (Bivar, 1984: 161).

پرفسور راجرز (J. Michael Rogers)، استاد برجسته تاریخ و هنر در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، می نویسد که در قیاس با طبع دوم انسیکلوپدی اسلام، دانشنامه ایرانیکا به مراتب به روز تر است. از این گذشته، حجم برخی از مداخل آن تقریباً سه برابر حجم همان مداخل در انسیکلوپدی اسلام است و بعضی از آنها، مانند مداخل ابن سینا، بلوچستان و... به تفصیلی در حد یک کتاب رسیده اند، و می افزاید که حتی برای کسانی که با مطالعات ایرانی به صورتی غیر مستقیم مرتبطند، دانشنامه ایرانیکا منبعی بسیار اساسی به شمار می رود (Rogers, 1991: 171-172).

خوان کول (Juan R. I. Cole) استاد تاریخ دانشگاه میشیگان دانشنامه ایرانیکارا از اهم منابع مفصل تحقیق در باره ایران و مطالعات ایرانشناسی، به زبان انگلیسی، و در بعضی از مباحث در هر زبانی بی مانند می داند و می نویسد: «ایران و مباحث مربوط به تشیع اثنی عشری، مخصوصاً در دوران پس از حمله مغول، در انسیکلوپدی اسلام مورد بی توجهی قرار گرفته بود... انتشار یک منبع جدید تحقیقی که تماماً بر ایران و فرهنگ ایرانیان متمرکز است امر بسیار مبارکیست» و می افزاید که کیفیت عالی مقالات این دانشنامه نه تنها پیشرفت

چشمگیر رشته ایرانشناسی را نشان می دهد، بلکه دال بر «فرایند دقیق و موشکافانه ایست که ویراستار آن، احسان یارشاطر، بر آن اصرار می ورزد» (Cole, 1996: 375-376). این مختصر را برای نمونه آوردم که به قول مولانا:

یک کف گندم ز انباری ببین  
فهم کن کآن جمله باشد همچین

### ترجمه انگلیسی تاریخ الرسل والملوک ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری

تاریخ الرسل و الملوک، تألیف مورخ و مفسر نامدار ایرانی، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری، مهم ترین و قدیم ترین تاریخیهست که به قلم یک مورخ مسلمان درباره تاریخ جهان نوشته شده است. به قول ریچارد بولت (Richard Bulliet) استاد دانشگاه کلمبیا، اثر طبری را باید هم طراز تاریخ انگلوساکسن ها (The Anglo-Saxon Chronicle) و تألیف مهم مورخ رومی تیتوس لیویوس پاتاویونوس (Titus Livius Patavinus, 64/59 BC - 12/17 AD)، یعنی تاریخ رُم دانست (Bulliet, 1986: 744).

ترجمه این کتاب عظیم به زبان انگلیسی خود حکایت جالبی دارد که من قبلاً آن را به عرض رسانیده ام (نک. امیدسالار، بهار ۱۳۷۶) و در اینجا خلاصه مطلب را برای کسانی که به آن مقاله دسترسی ندارند می آورم.

ترجمه کتاب طبری را مرحوم استاد یارشاطر هنگامی که در سال ۱۹۷۱ میلادی / ۱۳۵۰ شمسی با یونسکو همکاری داشته است، به آن سازمان پیشنهاد می کند. علی رغم موافقت اولیه یونسکو، کمیسیونی از فضلا و کارفرمایان عرب و عربی دان، که مسئول انتخاب کتاب های عربی مناسب ترجمه بوده است، با پیشنهاد مرحوم یارشاطر مخالفت می کند و این کار معوق می ماند. یارشاطر که از پشتیبانی یونسکو ناامید شده بود، سعی کرد این کار را از طریق بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران به انجام رساند و بدین منظور سه سالی به فراهم آوردن مقدمات کار پرداخت و در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ ش) از فرانتز روزنتال (Franz Rosenthal, 1914-2003) استاد نامدار السنه سامی در دانشگاه ییل (Yale) خواست که در این کار او را یاری کند. سپس هیأت تحریریه ای مرکب از خودش، روزنتال، و احسان عباس (۱۹۲۰-۲۰۰۳)، دانشمند فلسطینی و



است. خداوند مرحوم استاد یارشاطر را بیامرزاد که در این مورد واقعاً پایمردی‌ها و تلاش‌های مثمر ثمر انجام داد.  
أنا لله و أنا اليه راجعون

### منابع

- امیدسالار، محمود (۱۳۷۶). «چگونه کتاب تاریخ طبری به انگلیسی ترجمه شد». ایرانشناسی، سال ۹، ش ۱ (بهار): ص ۱۵۲-۱۵۶.

- توکلی طرقي، محمد (۲۰۱۶). «پیشگفتار: یار ایران شناسی و حکمت یارشاطری». در: حکمت تمدنی: گزیده آثار استاد احسان یارشاطر. به کوشش و با پیشگفتار محمد توکلی طرقي. تورنتو، کانادا: بخش تمدن‌های خاور نزدیک و خاورمیانه دانشگاه تورنتو. ص ۹-۵۹.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.

- AMIN, D., Kasheff, M. & A. Sh. SHAHBAZI (eds) (1990). *Iranica Varia: Papers in Honor of Professor Ehsan Yarshater (Acta Iranica, troisième série, vol. xvi)*. Leiden: Brill.
- BIVAR, A. D. H. (1984). "Review of Encyclopædia Iranica. Vol. I, Fascicle I: āb – 'abd-al-ḥamīd". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 47, no.1: p. 161.
- COLE, Juan R. I. (1996). "Encyclopædia Iranica. Vol. vi: Coffeehouse – dara". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 59, no.2: pp. 375 – 376.
- HANAWAY, William L. and E. YARSHATER (1998). "Interview with Dr. Yarshater". *Iranian Studies*. Vol.31, nos. 3 – 4 (Autumn): pp. 313 – 323.
- ROGERS, J. M. (1991). "Encyclopædia Iranica. Vol. III: Ātaš – Bayhaqī, Zahīr al-Dīn". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 54, no.1: pp. 171 – 172.
- YARSHATER, Ehsan (1957). "Preliminary Information on Shahrall, the Iranian Dialect of Khalkhal". *Akten des XXIV internationalen Kongresses*. Munich. pp. 458-460.
- \_\_\_\_\_ (1959). "The Dialect of Shāhrūd (Khalkhāl)". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. Vol. 22, no.2: pp. 52-68.

استاد دانشگاه آمریکایی بیروت) تشکیل داد که بعداً کلیفورد ادموند بازورث (Clifford E. Bosworth, 1928 – 2015) استاد عربی دان تاریخ در دانشگاه منچستر، و جیکوب لسنر (Jacob Lassner) که در آن هنگام در دانشگاه میشیگان تدریس می‌کرد به این هیأت پیوستند تا اشخاص صالحی را که بتوان کار ترجمه را بدیشان سپرد انتخاب کنند.

همان چاپ معروف و انتقادی تاریخ طبری که زیر نظر دانشمند هلندی، دخویه (Michael Jan de Goeje, 1836 – 1903) میان سال‌های ۱۸۷۹ تا ۱۹۰۱ میلادی در لایدن هلند منتشر شده بود اساس ترجمه قرار گرفت، اما از طبع قاهره نیز، که بعدها منتشر شد و برخی از اشکالات طبع اروپا در آن مرتفع شده بود، استفاده شد. آخر الامر، کتاب تاریخ طبری بعد از ۲۵ سال کار و تلاش مداوم مترجمین و ویراستاران، در چهل مجلد به زبان انگلیسی ترجمه و با تعلیقات مفصل مترجمین و فهرست‌های مرتب منتشر شد. این ترجمه را باید یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌ها در شناساندن معارف اسلامی به جهان دانست. پرفسور بولت در نقدی که بر مجلدات ۲۷، ۳۵، و ۳۸ این مجموعه منتشر کرده می‌نویسد که ترجمه تاریخ طبری به انگلیسی شایسته حدّ اعلای ستایش است، مخصوصاً از این روی که این مجموعه تحت نظر استاد احسان یارشاطر به نحو احسن ترجمه شده است (BULLIET, 1986: 744).



خدمات استاد مرحوم، احسان یارشاطر، به این دو موردی که ذکر شد محدود نیست، اما حتی اگر در زندگی هیچ کاری به جز پایه‌گذاری دانشنامه ایرانیکا و فراهم آوردن زمینه و نظارت بر ترجمه انگلیسی تاریخ الرسل و الملوک طبری با تعلیقات مفصل مترجمین و فهرست‌ها و نمایه‌های آن، انجام نداده بود، همین دو کار کافی بود تا نامش را در میان اهل تحقیق و طلاب معارف ایرانی و اسلامی مخلد سازد. در این دوران که اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی به اوج رسیده است و جنایات داعش و القاعده و دیگر گروه‌های سلفی و تکفیری توسط رسانه‌های بیگانه به نام اسلام به خورد مردم جهان داده می‌شود، هر کاری که بتواند چهره واقعی تمدن ایران و اسلام را بنمایاند و در مقابل این تبلیغات دروغین ایستادگی کند، قابل ستایش

- ing and the Concept of the Beloved in Early Persian Poetry". *Studia Iranica*, Vol.13: pp. 43-53.
- ----- (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*. The Hague: Mouton.
  - ----- (ed.) (1983). *The Cambridge History of Iran*. Vol.3: The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods. Cambridge: Cambridge University Press.
  - ----- (ed.) (1989-2007). *The History of al-Tabarī*. 40 volumes. Albany: State University of New York Press.
  - ----- (1959). "Naw Ruz: The New Year Celebration in Persia". *Iran Review*, Vol.4, no.3 (March): pp. 12-15.
  - ----- (1960). "Persian Letters in the Last Fifty Years". *Middle Eastern Affairs*, Vol.11, no.10: pp. 297-306.
  - ----- (1960a). "The Tāti Dialect of Kajal". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. Vol. 23, no. 2: pp. 275-286.
  - ----- (1960b). "The Theme of Wine-drink-

